**رویین تنان تاریخ**

کیومرث کرم سیما

همان گونه که می دانیم واژه رویین تن صفت مرکب است و معنای آن کسی که بدنی نیرومند و آسیب ناپذیر دارد. رو یین تنی می تواند یکی از آرزوهای بزرگ انسان در میل به جاوداندگی و آسیب ناپذیری باشد . رویین تنی ظاهرا به دورانی باز می گردد که آدمی به تازگی فلز را کشف کرد و از آن برای خود جامه های جنگی ساخت .

در اساطیر ملل مختلف **اسفندیار** ایرانی ، **آشیل**( آخیلوس) یونانی ، **زیگفرید** ژرمنی و **بالدر** نروژی رویین تن هستند .گرچه سامسون یا شمشون یکی از شخصیت های عهد عتیق1 که قدرت او در موهایش بود را نمی توان نادیده گرفت . تمام رویین تنان دارای مشترکاتی هستند :

1- میل به رویین تن شدن در تمام آنها وجود دارد.  
2- همه ی آنان در جوانی کشته شدند.  
3- همه پهلوان و محبوب قوم خود هستند.  
4- سه نفر از این چهار تن شاهزاده اند. (اسفندیار- آشیل- بالدر)  
5- دو نفر از اینان فرزند خدایان هستند. ( آشیل، مادرش- بالدر، پدرش)  
6- همه نقطه ی ضربه پذیر دارند. ( اسفندیار، چشم هایش \_ آشیل ، قوزک پایش و زیگفرید، نقطه ی میان دو کتف)  
7- دو نفرشان از گیاه خاص و مشخصی ضربه می پذیرند. (اسفندیار، چوب درخت گز \_ بالدر، گیاه دبق)

در ادامه به اختصار به سرگذشت هر یک از آنان می پردازیم .

**اسفندیارایرانی:**  
در مجلس گشتاسپ2 که زرتشت پیامبر هم حضور دارد، گشتاسپ از زرتــــشت می خواهد که چهار آرزویش را برآورده کند: جایگاهش در بهشت امن و جاودان باشد، فرَّهش3  ایزدی گردد ، رویین تنش کند، و علم پیشگویی را بیاموزدش.اما زرتشت می گوید که تنها یک آرزو می تواند درباره ی خودش داشته باشد و بقیه درباره ی دوستان و هر آن که او بخواهد. گشتاسپ جایگاه امن و جاودان در بهشت را برای خود می خواهد . جامی از شیر مقدس را به پشوتن برادر اسفندیار می نوشاند و او را ناخوشی و مرگ می رهاند.مشتی از گلهای بهشتی را به جاماسپ وزیر خود می دهد که ببوید و با بوییدن گلها علم پیشگویی و آینده نگری به او عطا می گردد. و با تطهیراسفندیار در رودخانه ی مقدس او را رویین تن می کندولی هنگام فرو رفتن در آب، اسـفندیار چشمانش را می بندد و آب به چشمهایش نمی رسد.  
 **آشیل** پسر تتیس الهه ی دریا و پله است. مادر او تتیس در افسانه های یونان باستان ، رب النوع دریا است. زئوس4 و پوزیدون 5 هر دو خواهان ازدواج با وی شدند. ولی تمیس6 پیشگویی کرد، پسری که از تتیس به دنیا آید از پدرش بزرگتر و قوی تر خواهد بود. آن گاه خدایان مصمم شدند که تتیس با انسانی به نام پله ازدواج کند. ولی تتیس از پذیرفتن این زناشویی سر باز زد و به صورت های شیر و مار و آتش و آب در می آمد و سعی می کرد که پله به او دسترسی پیدا نکند. ولی پله به کمک اسب افسانه ای «بالیوس» علی رغم تغییر شکل هایی که تتیس به خود می داد او را تسلیم ساخت و کامیاب گردید. جشن عروسی آنان در غار شیرون برگزار گردید و خدایان در آنجا حاضر شدند و برای عروس و داماد هدایای فراوانی آوردند.آشیل هفتمین پسر است. تتیس ِ جاویدان همیشه می ترسید که پسرانش جاویدان نباشند. از این رو پسران را در آتش می انداخت تا مطهر و جاویدان شوند که همگی می سوزند و می میرند. حال نوبت آشیل است. این بار پله می گوید که آشیل را در آتش نیندازند و با آب مقدس رودخانه ی ستیکس تطهیرکنند. اما تتیس آشیل را نیز همچون دیگر پسرانش در آتش مقدس می اندازد . پله هنگامی که سوختن آشیل را می بیند، به سرعت کودک را که از پا در حال سوختن بود بر می دارد وآشیل را به کرون الهه ی جراحی می سپارد و کرون استخوان سوخته و آسیب دیده ی آشیل را با استخوان اسب پیوند می زند و سپس نوزاد را در رودخانه ی مقدس «استکز» بالا و پایین می برند و تنها قوزک پای آشیل که در دست تتیس است به آب نمی رسد و آسیب پذیر می گردد .  
 **زیگفرید** ، پهلوان پهلوانان است. در میان ژرمن ها اژدهایی وجود دارد که مردم ژرمن باور دارند کسی که موفق شود اژدها را بکشد و بدنش را با خون این اژدها بشوید رویین تن و فنا ناپذیر می شود. اژدها کشی شگردی بود که از عهده ی هر کسی بر نمی آمد، اژدهایی که هفت سر داشت و هر هفت سر را باید می زدند تا اژدها می مرد. زیگــفرید اژدها را می کشد و با خونـــش تـــــن را می شوید. درحین شستن برگی از درخت در میان دو کتفش می افتد و آن قسمت آسیب پذیر می ماند. زیگفرید محبوب قوم و مردمانش است. همسری دارد که یارش است و بسیار دوستش می دارد. «هاگن» برادرِ همسر زیگفرید به علت تمام خوبی ها و جایگاهی که زیگفرید در میان مردم دارد به وی حسادت می ورزد. هاگن در پی بهانه ای می گردد تا راز آسیب پذیری زیگفرید را در یابد. در این راه کسی نزدیکتر از خواهرش نیست. زمانی که زیگفرید برای نبردی خانه را ترک گفته بود، وی را فریـب می دهد و نقطه ی فنا ی زیگفرید را می فهمد. مدتی می گذرد و زیگفرید بر می گردد و سر چشمه ای برای خوردن آب توقف می کند. هاگن که در کمین نشسته بود، تیری بر پشت و میان دو کتف زیگفرید نشانه می رود و پهلوان را از پا در می آورد.  
 **بالدر** فرزند خدایان است. اُدین پدر بالدر خدای روشنایی است.شبی در خواب می بیند پسرش به وسیله ی تیری از پا در آمده است. وقتی که بیدار می شود پریشان و آشفته نزد خدای خدایان بانو فریگان می رود و از وی می خواهد تمام درختان عالم را سوگند دهد تا هیچ کدام چوبشان چون تیری بر بدن بالدر ننشیند. بانو فریگان می پذیرد و تمامی درختان را سوگند می دهد.«دبق» تنها یک گیاه خیلی کوچک که هنوز چوبی بر تنش جان نگرفته بود بی سوگند باقی می ماند. خدای پلیدی ها (لوکی)، به بالدر حسادت می برد ومترصد فرصتی تا بالدر را ازپای دراندازد. تا این که می فهمد دبق همان گیاه کوچک سوگند نخورده. از چوب این گیاه تیری فراهم می کند و به دست خدای نابینایان هاتر می سپارد و در یکی از جشنها هاتر را دعوت می کند تا در آن بزم حضور یابد. تیری که از گیاه دبق ساخته بود را به هاتر می دهد. تیر بر بدن بالدر می نشیند و می میرد.  
 پاورقی :  
1- عهد عتیق یا عهد قدیم کتاب مقدس یهودیان است که مسیحیان نیز آن را پذیرفته و به عنوان بخش اول از دو بخش کتاب مقدس قرار داده‌اند. عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید به این کتاب داده اند؛ اما یهودیان به کتاب مقدس خود تنخ می‌گویند و ما مسلمانان آن را تورات می‌نامیم .

2- پسر لهراسب وپدر اسفندیار

3- شکوه ، عظمت

4- در اساطیر یونانی، پادشاه خدایان است.

5 - در اساطیر یونان خدای نام‌های بسیاری از جمله دریاها، رودخانه‌ها، سیل، خشکسالی، زمین لرزه و اسب‌ها بود اما او به خدای دریاها شهرت دارد.

6- از الهه‌های اساطیر یونانی، و یکی از دختران اورانوس و گایا است. او تجسم یزدانی دستورهای درست و فتوا دادن بر اساس رسم و سنت و قانون است. تمیس به معنی قانون طبیعت است. او دارای توان غیبگویی بود . *تمیس* به صورت یک زن عبوس، با چشمانی بسته و دارای یک جفت ترازو و شاخ نمایش داده می‌شود.